



مسائل راهبردی استان در حوزه سیاست اقتصادی، صنعتی و گردشگری

ظرفیت‌های مغفول سیستان و بلوچستان

گزارش مساله‌شناسی استان سیستان و بلوچستان شامل سه حوزه «سیاست اقتصادی، صنعتی و گردشگری»، «سیاست محیط زیست، آب و کشاورزی» و «حوزه سیاست اجتماعی و فرهنگی» است. در این نوشتار به صورت متمرکز بر معرفی مهم‌ترین مسایل و چالش‌های استان در حوزه «سیاست‌های اقتصادی، صنعتی و گردشگری» و ارائه راه‌کارهای موثر برای حل یا تخفیف آنها پرداخته شده است.

استان سیستان و بلوچستان با وسعتی در حدود ۱۸۱۷۵۸ کیلومتر مربع، حدود ۱۱.۱٪ از مساحت کل کشور را تشکیل می‌دهد و بزرگترین استان کشور از نظر مساحت است. این استان از جنوب ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی با دریای عمان و از مشرق ۱۱۰۰ کیلومتر مرز بین‌المللی با دو کشور پاکستان و افغانستان دارد. جمعیت استان طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰ برابر با ۲.۵۳۴.۳۲۷ نفر است که ۳.۳۷٪ از کل جمعیت ایران را شامل می‌شود. استان سیستان و بلوچستان دارای ۱۴ شهرستان، ۴۱ بخش، ۳۷ شهر و ۱۰۳ دهستان است.

آب و هوای استان از نوع آب و هوای بیابانی است. حداکثر دمای سالانه آن بالای ۴۵ درجه سانتیگراد است، این در حالی است که دمای میانگین حداکثر دمای کشور در طول سال به ۳۸ درجه می‌رسد. زاهدان سردترین و ایرانشهر گرم‌ترین شهرهای استان هستند. نوسانات رطوبت، وجود بادهای موسمی همچون بادهای معروف به ۱۲۰ روزه و باد هفتم یا گاوکش و ریزش جوی و اختلاف دما در ۲۴ ساعت، به استثنای نواحی معتدل دریای عمان، شرایط خاص اقلیمی و پوشش‌های گیاهی و جانوری بدیعی را به وجود آورده است. در این نوشتار به بخش مسائل راهبردی استان در حوزه سیاست اقتصادی، صنعتی و گردشگری از گزارش جامع مساله‌شناسی راهبردی توسعه در استان سیستان و بلوچستان پرداخته می‌شود.

۱- مسایل راهبردی استان در حوزه سیاست اقتصادی، صنعتی و گردشگری

علیرغم اینکه استان سیستان و بلوچستان طبق آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۰، ۳.۳۷٪ از کل جمعیت ایران را تشکیل می‌دهد، اما تولید ناخالص داخلی (استان در سال ۱۳۹۲ در حدود ۱۳۲۸۵ میلیارد تومان بوده است که فقط ۱.۳٪ از تولید ناخالص داخلی کشور در این سال بوده است. در همین سال نرخ مشارکت اقتصادی استان ۲۹٪ بوده که نسبت به میانگین کشوری (۳۸.۲٪) پایین بوده و در رتبه آخر قرار دارد. میزان تولید سرانه استان نیز در سال ۱۳۹۲ حدود ۵ میلیون تومان بوده است که از این نظر نیز در رتبه آخر کشور قرار دارد. نرخ بیکاری کل و نرخ بیکاری جوانان نیز طبق آخرین آمار ارائه شده توسط مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۳ به ترتیب ۱۰/۹ و ۲۴/۱٪ بوده است (البته آمارهای غیررسمی و

مشاهدات میدانی این آمار را تا ۳۰٪ بطور کلی و ۴۰٪ برای جوانان گزارش کرده‌اند).

وجود مرزهای آبی و خاکی گسترده، داشتن سابقه تاریخی در زمینه مبادلات و تجارت و قراردادن در مهمترین مسیر تجاری دنیای قدیم (جاده ابریشم) و نیز مراودات قومی و فرهنگی مرزنشینان استان با کشورهای همسایه، سکونت ۵۱٪ از جمعیت استان در مناطق روستایی و وابستگی اقتصاد استان به کشاورزی و شیلات، دسترسی به آب‌های آزاد بین‌المللی خارج از تنگه هرمز و امکان ارتباط با کشورهای شرق آسیا، شبه‌قاره هند، شیخ‌نشین‌های حاشیه خلیج فارس و بازارهای آفریقا، وجود منطقه تجاری-صنعتی آزاد چابهار، داشتن ذخایر معدنی گسترده، داشتن پتانسیل بالای تولید انرژی‌های نو و پاک، داشتن پتانسیل تاریخی و طبیعی بالا برای جذب گردشگر (مناطق چمن دریا بزرگ عمان، کوه تفتان، مناطق تاریخی مثل شهر سوخته، کوه خواجه، مناظر هامون و هیرمند و...) از پتانسیل‌های منحصر به فرد این استان در حوزه اقتصاد، صنعت و گردشگری است. اما مجموع آمار موجود حاکی از آن است که وضعیت اقتصادی استان، برغم پتانسیل‌های اقتصادی آن، در شرایط مطلوبی قرار ندارد. در ادامه به معرفی مهمترین مسائل و چالش‌های استان در حوزه سیاست اقتصادی، صنعتی و گردشگری و در ادامه تبیین و راهکارهای مؤثر برای حل یا تخفیف آنها پرداخته می‌شود.

۲- چالش‌ها، علل و راهکارها

۲-۱ عدم استفاده بهینه از مرز و منطقه آزاد برای تجارت و ترانزیت کالا

یکی از مزایای نسبی استان، ترانزیت کالا و تجارت آن به کشورهای همسایه از جمله پاکستان و افغانستان است. طبق آمار سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، در ۳ ماهه اول سال ۱۳۹۴ حدود ۱۴۰ میلیون دلار صادرات غیرنفتی از مرزهای استان صورت گرفته است که صادرات کل کشور در دوره مشابه ۱۰۸۶۷ میلیون دلار بوده است. بنابراین، نزدیک به ۱.۳٪ از کل صادرات کشور از مبادی گمرکی و بازارچه‌های مرزی استان سیستان و بلوچستان صورت گرفته است. این امر نشان‌دهنده این موضوع است که از پتانسیل‌های این استان به خوبی استفاده نشده است. ضمن اینکه از ۱۴۰ میلیون دلار صادرات استان، نزدیک به ۵۰٪ آن از بازارچه‌های مرزی صورت گرفته که این امر اهمیت و جایگاه ویژه بازارچه‌ها مرزی را نشان می‌دهد. حدود ۹۸٪ صادرات استان به مقاصد کشورهای پاکستان (۵۳٪) و افغانستان (۴۵٪) بوده است؛ بازاری ۲۱۰ میلیون نفری که در صورت بکارگیری تمهیدات لازم، ظرفیت صادراتی بیش از مقدار فوق‌الذکر دارد.

نگاهی به آمار صادرات غیرنفتی طی چند سال گذشته حاکی است که این میزان روبه‌رشد بوده و سهم بازارچه‌های مرزی نیز در این فرآیند روبه‌فزونی بوده است. با این حال به نظر می‌رسد با توجه به نزدیکی این استان به دو بازار بسیار بزرگ، میزان ۵۰۰ میلیون دلاری صادرات غیرنفتی سالانه از مرزهای استان، بنا به دلایلی، کمتر از میزان بالقوه آن است. یکی از دلایل این امر، عدم توازن جدی در تعداد مرزهای رسمی و بازارچه‌های مرزی بین غرب و شرق کشور است که این

امر باعث ادامه ناامنی و همچنین عدم استفاده بهینه از ظرفیت‌های مرزهای شرق کشور شده است. یکی از علل عدم توسعه مرزها در شرق کشور، وجود نگاه امنیتی به استان در طول سال‌های گذشته بود که حتی به انسداد مرزها و دیوارکشی در طول مرز نیز انجامیده است. بنابراین، به نظر می‌رسد با توجه به پتانسیل‌های موجود مبادلات تجاری و ترانزیت کالا در استان، عملاً حجم مبادلات تجاری صورت‌گرفته از مرزهای استان قابل توجه نیست و می‌توان آن را یکی از مسایل اصلی استان قلمداد نمود که در صورت حل آن، ارزش افزوده استان افزایش یافته و مسئله بیکاری استان نیز تا حدودی مرتفع می‌گردد. در صورت بهبود وضعیت تجارت و ترانزیت کالا از مرزهای استان، معیشت مرزنشینان نیز بهبود یافته و از مهاجرت آنها به حاشیه شهرهای بزرگ جلوگیری به عمل خواهد آمد. این امر هم از نظر امنیت مرز و هم از نظر مسائل و آسیب‌های اجتماعی احتمالی ناشی از حاشیه‌نشینی این افراد، دارای اهمیت بسزایی است. با توجه به مسئله جدی کم‌آبی در استان، بهره‌گیری از این مزیت نسبی استان باید یکی از اولویت‌های اصلی توسعه در این استان باشد. در واقع، یکی از موتورهای اصلی رشد و توسعه در استان می‌تواند تجارت و ترانزیت کالا از مرزهای استان باشد.

بخش دیگری که یکی از پتانسیل‌های اصلی استان در صادرات، واردات و ایجاد اشتغال است، منطقه آزاد چابهار است. منطقه آزاد چابهار با وجود اینکه در سال ۱۳۷۲ تأسیس شده، اما تاکنون به اهداف خود که تبدیل شدن به هاب اصلی منطقه است، نرسیده و ظرفیت‌های عظیم این منطقه بدون استفاده مانده است. بندر چابهار، تنها بندر اقیانوسی ایران و کوتاه‌ترین راه ارتباطی به کشورهای آسیای مرکزی و افغانستان به دریاهای آزاد و همچنین کوتاه‌ترین مسیر ترانزیتی محور شرق ایران را داراست. از دیگر مزیت‌های این منطقه می‌توان به مجاورت با خط لوله گاز صلح (ایران-هند)، داشتن منابع عظیم شیلات دریایی و امکانات پرورش آبزیان و پتانسیل طبیعی بالا در جذب گردشگر اشاره کرد. اما به علل متفاوت از جمله مدیریت‌های نادرست، ظرفیت جذب پایین سرمایه‌گذاری، عدم نگاه توسعه متوازن بین مناطق مرزی شرق و غرب کشور، نبود زیرساخت‌های لازم در بخش صنعتی-تجاری و گردشگری منطقه، تاکنون پتانسیل‌های منطقه به فعلیت در نیامده است.

راهکارها

- ایجاد زیرساخت‌ها و امکانات ضروری جهت بهره‌برداری بیشتر از مرزهای رسمی و بازارچه‌های مرزی موجود

- ایجاد و افتتاح مرزهای رسمی و بازارچه‌های مرزی بیشتر به منظور تسهیل در امر تجارت، بازرگانی و صادرات

- تغییر نگاه تک‌بعدی امنیتی به استان و انتخاب رویکرد چندوجهی و توسعه‌ای به مسائل استان

- عملیاتی شدن واقعی قانون مبادلات مرزی. براساس قانون مبادلات مرزی (مصوب سال ۱۳۷۱) سالانه باید ۳٪ از درآمد کل تجارت خارجی کشور از سوی دولت در مناطق مرزی برای اولویت محرومیت‌زدایی سرمایه‌گذاری و هزینه شود تا علاوه بر محرومیت‌زدایی باعث رونق اقتصادی در این مناطق بشود. تاکنون دولت بطور جدی این قانون را اجرایی نکرده

است.

- حذف تعیین کشوری فهرست کالاهای وارداتی و تعیین فهرست کالاها بصورت منطقه‌ای، با توجه به متفاوت بودن نیازهای هر استان و منطقه، و نیز بازبینی محدودیت سقف مبادلات مرزی در بازارچه‌های مشترک مرزی نسبت به بازارچه‌های متفاوت

- بالابردن ظرفیت جذب سرمایه‌گذاری در منطقه چابهار (رفع موانعی مانند نداشتن بندر اختصاصی برای منطقه آزاد چابهار، مشکلات در حمل‌ونقل کالا از بندر شهید کلانتری و بهشتی به منطقه آزاد به دلیل بیرون‌بودن این بندر از منطقه آزاد)

- حل مشکل تفویض اختیارات قانونی دستگاه‌های اجرایی به منطقه آزاد اجرایی شدن قانون تفویض اختیارات به منطقه آزاد (ماده ۱۱۲ قانون برنامه پنجم توسعه) با همیاری دستگاه‌های اجرایی

- تعیین و تکلیف وضعیت منطقه آزاد تجاری و صنعتی سیستان به عنوان مکمل منطقه آزاد چابهار

- انجام مطالعات پیوست‌های فرهنگی و اجتماعی در پروژه‌های پیش‌رو (توسعه منطقه آزاد چابهار، طرح توسعه مکران، بندر شهید بهشتی، پتروشیمی‌ها و...) برای همراهی بیشتر مردم محلی و طبق مسؤلیت اجتماعی صنایع

۲-۲ عدم رشد بهینه در محصولات کشاورزی با مزیت نسبی

در سال ۱۳۹۲ تنها حدود ۲٪ از کل ارزش افزوده بخش کشاورزی کشور (شامل زراعت، دامپروری و جنگل‌داری) در استان سیستان و بلوچستان ایجاد شده است. کمبود آب که عمدتاً ناشی از خشکسالی‌ها یا نرخ پایین بارش در سالیان اخیر در استان و منطقه بوده و شکل مشخص آن در خشک‌شدن دریاچه‌های هامون و جازموریان مشاهده می‌شود، یکی از مسائل اساسی استان در بخش کشاورزی است. بنابراین، با توجه به محدودیت شدید منابع آبی در استان، کشت محصولاتی مانند هندوانه که نیاز به آب فراوان دارند و قیمت آنها نیز در بازار معمولاً پایین است، دیگر توجیه اقتصادی نداشته و این محصولات باید از دیگر نقاط وارد استان شوند. در واقع، عدم توجه به مسئله کم‌آبی در سیاست‌گذاری بخش کشاورزی منجر به تشدید بحران در این زمینه خواهد شد.

در کشت خرما که یکی از مزیت‌های اصلی در بخش کشاورزی است، برغم بالابودن میزان تولید و سطح زیر کشت، بهره‌وری در این بخش مطلوب نبوده که در صورت بهبود بهره‌وری در آن می‌توان امیدوار بود ارزش افزوده بخش کشاورزی استان با افزایش همراه باشد. مسئله دیگر، نبود صنایع تبدیلی در استان در زنجیره تولید محصول نهایی است که به این ترتیب بخشی از ارزش افزوده‌ای که می‌توانست سهم استان باشد و موجب اشتغال نیز شود، به خارج از استان

منتقل می‌شود. به دلیل نبود صنایع بسته‌بندی و برندسازی، خرمای تولیدی استان به عنوان کالای واسطه برای بسته‌بندی و رسیدن به آخرین مرحله زنجیره تولید که بازار مصرف نهایی است، به استان کرمان ارسال و در آنجا بسته‌بندی می‌شود. در دامپروری نیز، با توجه به سازگار بودن شتر با اقلیم استان و نظر به مسئله جدی کم‌آبی، پرورش شتر یک مزیت نسبی به شمار می‌آید که به دلیل موانع قانونی (گویا توسط نهادهای نظارتی مربوط به بهداشت و یا قانونی که مربوط به مناطق آزاد است) و البته نبود صنایع تبدیلی برای فرآوری محصولات تولیدی و آماده‌سازی آنها برای بازار نهایی مصرف، این بخش نیز مغفول مانده است.

بخشی از فعالیت دامپروری و کشتار دام نیز، ظاهراً وابسته به واردات دام از کشور پاکستان بوده است که بنا به دلایلی ظاهراً واردات آن متوقف شده است که این امر منجر به تعطیلی کامل دامپروری‌های بسیاری در شهرستان میرجاوه شده است که با مهاجرت افراد بومی از این منطقه مرزنشین نیز همراه بوده است. کشتارگاه‌های منطقه نیز متعاقباً با تعطیلی همراه شده‌اند. سایر فعالیت‌ها، نظیر مرغداری، به دلیل نبود زیرساخت‌های فیزیکی لازم از جمله حمل‌ونقل و دوربودن تولیدکنندگان نهادهای تولیدی از استان (مانند آوردن جوجه مرغ از آمل و کنجاله از زنجان) عملاً هزینه‌های تولید را بسیار بالا برده است و قیمت تمام‌شده تولید در این بخش را افزایش داده که این امر به معنای کاهش رقابت‌پذیری این صنایع با رقبای خارج از استان است. علاوه بر این، به دلیل مقررات منع رفت‌وآمد در ساعات بخصوصی از شبانه‌روز در شهرستان میرجاوه، عملاً زمان‌بندی فعالیت‌های مربوط به صنایع کوچک در فعالیت‌های لجستیکی خود با دشواری‌های بسیاری همراه شده است.

شیلات و ماهیگیری، یکی دیگر از مزیت‌های اصلی استان است که به تنهایی حدود ۲۱٪ ارزش افزوده تولیدی در این بخش در کل کشور را به خود اختصاص داده است. برخلاف دو محصولی که پیشتر اشاره شدند، صنایع تبدیلی در این بخش شکل گرفته و بسیاری از برندهای مهم این محصول مربوط به این استان هستند. ایجاد خوشه صنعتی در این بخش، یکی از تجارب موفق در استان بوده که می‌توان آن را الگویی برای خرما و شتر نیز قرار داد. البته این بخش نیز با مسائل خاص خود دست‌وپنجه نرم می‌کند که در صورت تدوam، این مزیت نسبی نیز با خطر و چالش‌های جدی مواجه خواهد شد. در واقع، ورود کشتی‌های بزرگ صنعتی (ترال) از استان‌های همجوار (هرمزگان) که از تکنولوژی پیشرفته‌تری برای صید و انتقال ماهی به استان‌های دیگر استفاده می‌کنند، اشتغال صیاد بومی را با مشکل روبه‌رو کرده است. در صورت تدوam این مسئله، شاهد فقر و بیکاری شدیدتر در منطقه کنارک خواهیم بود. برای مثال، برخی از این صیادان بومی که برای صید به سواحل جیبوتی و سومالی رفته بودند، گرفتار دزدان دریایی شده‌اند.

راهکارها

- آموزش و ارائه تسهیلات به کشاورزان در جهت تغییر الگوی کشت و جایگزینی محصولات پُرآب با محصولاتی که نیاز به آب کمتری دارند.

- ایجاد خوشه‌های صنعتی و زنجیره تولید صنعتی از کشت خرما تا بهره‌برداری و بسته‌بندی آن در راستای ایجاد ارزش افزوده بیشتر

- رفع موانع قانونی پیش‌روی تولید و انتقال شتر از استان سیستان و بلوچستان به دیگر نقاط کشور با همکاری وزارت بهداشت و سازمان جهاد کشاورزی

- بررسی حضور کشتی‌های صنعتی بزرگ (ترال) در سواحل کنارک با همکاری نیروهای انتظامی و سازمان شیلات و بنادر و تلاش در جهت ممانعت قانونی از ورود این کشتی‌ها که مخاطرات زیست‌محیطی گسترده‌ای نیز به همراه دارند.

- استفاده از انرژی‌های نو و پاک خورشیدی و بادی برای ایجاد زیرساخت‌های فیزیکی لازم در روستاها، با توجه به پراکندگی روستاها از یکدیگر و همچنین پتانسیل بالای طبیعی استان در زمینه انرژی‌های نو. در همین زمینه، تهیه نقشه راه توسعه انرژی‌های نو و پاک باید در دستور کار قرار گیرد.

- بررسی وضعیت خوشه صنعتی پرورش ماهی در قفس در سواحل مکران، به دلیل پتانسیل بالای منطقه در این زمینه

۲-۳ عدم استفاده بهینه از ظرفیت صنعت و معدن استان

با توجه به عقب‌ماندگی تاریخی استان و همچنین پتانسیل تجاری و بازرگانی آن در گذشته، می‌توان گفت توسعه صنعتی در این استان اتفاق نیفتاده است. بخش صنعت و معدن استان در حدود ۵.۶٪ از میزان اشتغال و همچنین ۱۱٪ از میزان تولید ناخالص داخلی استان را تشکیل می‌دهد. این آمار نشان از آن دارد که بخش صنعت و معدن استان ضعیف بوده و استراتژی‌های توسعه صنعتی باید در قالب ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های واقعی استان برنامه‌ریزی شود. برغم وجود پتانسیل‌های فراوان و جذاب در بخش معادن استان، سهم این استان در ارزش افزوده بخش معدن در سال ۱۳۹۲ بسیار ناچیز و در حدود ۰.۴٪ بوده است. عدم توسعه بخش معدن، یکی از مسائل اساسی استان است که در صورت بکارگیری تمهیدات لازم می‌تواند ارزش افزوده و اشتغال قابل توجهی را برای استان به همراه داشته باشد. توسعه بخش معدن، در کنار توسعه و تسهیل مبادلات تجاری از مرزهای استان، می‌تواند دو موتور رشد اقتصادی در استان باشند.

از جمله علل پایین بودن سرمایه‌گذاری در بخش معدن (از جمله اکتشاف و بهره‌برداری)، ترکیبی از موانع قانونی و نبود زیرساخت‌های فیزیکی لازم در این زمینه است. در واقع، وثیقه لازم برای شروع اکتشاف یک معدن بسیار بالا بوده و عملاً تأمین آن توسط بخش خصوصی بومی غیرممکن است. مورد دیگر، بالا بودن بهره مالکانه جهت استخراج معادن و بهره‌برداری از آنهاست که عملاً با کاهش سود مورد انتظار سرمایه‌گذاران، انگیزه آنها را برای ورود به این بخش به شدت کاهش داده است. و در نهایت، بنا به دلایل امنیتی، روادید کارشناسان و مهندسان شرکت‌های خارجی فعال در این حوزه قابلیت تمدید نداشته و یا عملاً با تأخیری طولانی همراه است که در نهایت منجر به مکانیسم غیرانگیزشی برای

شرکت‌های خارجی جهت همکاری با شرکت‌های داخلی در این زمینه می‌شود. در نتیجه، تکنولوژی‌های پیشرفته‌تر در زمینه کشف و بهره‌برداری معادن عملاً با مشکل ورود مواجه خواهند بود. در مجموع، بالابودن هزینه‌های مبادلاتی در بخش معدن، توسعه این بخش را عملاً غیرممکن ساخته است. البته به‌تازگی در استانداری، دفتر حمایت و جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی به منظور پیگیری و رفع این مشکل راه‌اندازی شده است.

راهکارها

- انجام مطالعات جامع در زمینه پتانسیل‌های معدنی استان که البته همکاری نهادهای علمی بخصوص دانشگاه را می‌طلبد. برای مثال، هدایت پایان‌نامه‌های دانشکده کارآفرینی به سمت کشف پتانسیل‌های سرمایه‌گذاری استان در بخش صنعت و معدن.

- برطرف کردن موانع قانونی (تبصره ۳ از ماده ۶ قانون معادن) در مسیر اکتشاف معدن (هزینه بالای ثبت معدن، وجود سه میلیارد تومان در حساب بانکی برای ثبت) و مشکل در تمدید ویزای سرمایه‌گذاران خارجی به علت مرزی بودن استان

۲-۴ عدم استفاده از ظرفیت گردشگری و کسب‌وکارهای خرد

یکی دیگر از ظرفیت‌های اقتصادی بالقوه استان که تاکنون ارزش افزوده قابل ملاحظه‌ای ایجاد نکرده، بخش گردشگری استان است که برغم وجود اماکن تاریخی، جاذبه‌های توریستی و ظرفیت عظیم روستاهای استان در جذب گردشگری روستایی، تاکنون توفیقی در این زمینه نداشته است. درحالی‌که فعال شدن این بخش، با توجه به کاربر بودن آن و نیز فعال شدن صنایع دستی و سایر فعالیت‌های مشابه، قابلیت اشتغال‌زایی بالایی دارد.

در کنار باورهای نادرست نسبت به وضعیت امنیت استان که آن را از مقصد بسیاری از مسافران خارج کرده است، از علل این ناکامی می‌توان به ناشناخته بودن جاذبه‌های استان برای افراد خارج از آن، نبود زیرساخت‌های لازم از جمله زیرساخت‌های حمل‌ونقل (مانند شبکه ریلی)، جاده‌های امن، هتل، رستوران و... اشاره کرد. بخش صنایع دستی نیز به دلیل عدم استقبال گردشگران از استان و در نتیجه نبود تقاضا برای محصولات صنایع دستی در ایجاد ارزش افزوده و شغل، ناکام مانده است.

راهکارها

- توانمندسازی روستاها به منظور تقویت گردشگری روستایی

- ایجاد کمپین‌های فرهنگی و هنری با کمک هنرمندان و مطبوعات محلی و کشوری در جهت ترمیم بازنمایی منفی از

احساس امنیت در استان و همچنین معرفی پتانسیل‌های گردشگری استان

- فراهم آوردن زیرساخت‌های لازم برای احداث مجتمع‌های گردشگری در شهرستان‌های استان

- تقویت حاشیه‌نشین‌ها و ایجاد اشتغال در زمینه کسب و کارهای خرد از طریق ایجاد بازار برای صنایع دستی استان

- آموزش صنایع دستی استان به زنان خانه‌دار بویژه در مناطق محروم با همکاری سازمان فنی و حرفه‌ای و سازمان صنایع دستی

- ایجاد زنجیره تکمیلی صنایع دستی به منظور پایین آوردن هزینه تمام‌شده و انتقال آن به دیگر نقاط کشور جهت بازاریابی